

# کسی به فکر گل‌ها نیست

حسن بهگر

بین ببرد یا کاهش بدهد. مانند آسیب‌دیدگان مغزی، نخاعی، عضلانی، بینایی و شنوایی و... امروز توان‌خواه مفهوم گسترده‌تری دارد. به جز بیماری‌های کلیوی و قلبی و غش (صرع) بسیاری از بیماری‌های دیگر هم در این زمره به‌شمار می‌روند، مانند: آسم، بیماری قند، انواع بیماری‌های خونی، آلرژی و حتی بیماری‌های پوستی مانند (پسوریازیس).

## جامعه‌ی توان‌خواه

کم‌توانی به معنی محدودیت یا کاهش کاربرد توانایی یک شخص فقط در زندگی فردی وی تأثیر نمی‌گذارد، بلکه این کاهش موجب نزول کاربرد اجتماعی او هم می‌شود. امروز دامنه‌ی تعریف و مفهوم کم‌توانی در غرب تا آنجا گسترش پیدا کرده که نه تنها معتادین به مواد مخدر و الکلی‌ها را در بر می‌گیرد، حتی پنهان‌گانی را هم که به بازار کار راه پیدا نمی‌کنند، در زمره‌ی توان‌خواهان می‌شمارند. بنابراین مخاطبان ما گروه بزرگی از جامعه را شامل می‌شوند.

## ایران جامعه‌ای کم‌توان و همیشه در بحران

جامعه‌ی ایران در ۲۰ سال اخیر یک

## درک ما از «توان‌خواه» چیست؟

آیا کسی که لال است از انجام همه‌ی کارها عاجز است؟ آیا کسی که حس شنوایی اش کم است و حتی کسی که اصلاً نمی‌شنود هر دو «معلول» هستند؟ وقتی کلمه‌ی «توان‌خواه» را در مورد شنوایی به کار می‌بریم، مراد ما انسانی‌هایی هستند که کم می‌شنوند تا کسی که به هیچ وجه نمی‌شنود. این مسأله در مورد افرادی که اشکال در حرکت و جثش دارند، و توانایی کافی و لازم را ندارند، نیز صادق است. بدین ترتیب، کسی را پیدا نمی‌کنیم که اصلاً توانایی نداشته و به عبارت دیگر، علی‌ل و عاجز کامل باشد. گذشته از آن، امروز با بسیاری از وسایل و داروها می‌توانیم بر بسیاری از کاستی‌ها پیروز شویم و کاربرد و توانایی اشخاص کم‌توان را افزایش دهیم.

## تعریف سازمان بهداشت جهانی /WHO

این سازمان توان‌خواه را چنین تعریف کرده است:

آسیب ← موجب کاهش توانایی شده ← توان‌خواه

مراد از آسیب آن است که صدمه‌ی وارد شده چنان باشد که بخشی از تن یا روان انسان را از حال طبیعی خارج کند و کارایی آن را از

## کم‌توان «معلول» کیست؟

درک مسأله‌ی توان‌خواهان (معلولین) و کاربرد آن در جامعه‌ی سیاسی و بحث همگانی درباره‌ی آن پس از جنگ دوم جهانی حدود ۱۹۵۰ آغاز گشت و به سرعت همه‌گیر شد.<sup>۱</sup>

کلمه‌ای که در انگلیسی به کار می‌رود Handicap /Hanicap/ در دست در کلاه است. یعنی دست در کلاه که البته منظور یک نوع کلاه بافتنی است و مراد از آن این است که وقتی دست در چنین کلاهی باشد کارایی و کاربرد لازم را ندارد. این کلمه از یک اصطلاح ورزشی گرفته شده و به یک رقیب و هم‌رزم نامناسب و نابرابر گفته می‌شود و ما در فارسی پیش‌تر اوقات کلمه «معلول» را به کار می‌بریم<sup>۲</sup> در حالی که این کلمه نه تنها نارسا است، بلکه تأثیرات منفی را نیز به همراه دارد.

بحث بر سر این واژه از آنرو اهمیت دارد که کلمه‌ی «معلول» حامل بار منفی است و این فکر را به ذهن متبادر می‌کند که ما با مسأله‌ای روبه‌رو هستیم که چاره و درمان ندارد و باید آنرا به حال خود گذاشت. در حالی که وقتی کلمه‌ی توان‌خواه را به کار می‌بریم، به نظر می‌رسد که مسأله را رها نکرده‌ایم بلکه دنبال چاره‌ای هستیم که سطح توان‌مندی شخص را به سطوح بالاتری ارتقاء دهیم.

انقلاب خونین، یک جنگ هشت ساله با عراق و پس از آن تنش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گوناگونی را پشت سر گذاشته است، زندگی همراه با اضطراب و نگرانی و با افسردگی و نومیدی و با کمبود امنیت اجتماعی آن‌هم به صورت مداوم پی آمده‌های جدی در جامعه خواهد داشت. به طوری که تداوم این‌ها موجب می‌شود که فرصت و مجال مرمت روانی و جسمی فراهم نیاید. آسیب‌دیدگان جسمی نیاز به وسایل کمکی و فیزیوتراپی دارند و بیش‌ترین مردم که آسیب روانی دیده‌اند، نیازمند آرامش و آسایش می‌باشند. اگر آسیب‌دیدگی در جامعه‌ای پیوسته تکرار شد و مجال و فرصتی برای مرمت و بازسازی داده نشد و هر روز و هر ماه با ایجاد یک بحران، صدمه‌ی جدیدی وارد گردید، در چنین شرایطی جامعه‌ای بیمار خواهیم داشت که از نظر جسمی و روانی و اخلاقی درمان ندارد و رو به تلاشی می‌رود.

از سوی دیگر، افزایش جمعیت که با گسترش ازدواج‌های خانوادگی توأم بوده و به میزان و درصد بیماری‌های مادرزادی افزوده است. به این مسأله اگر بدهی تغذیه را هم که در اثر فقر مالی و شرایط بد اقتصادی بدان بیفزاییم، در چنین حالتی جدی بودن مسأله آشکار می‌شود. جدای از همه‌ی این‌ها رویدادها و حادثه‌های طبیعی مانند زلزله و سیل که به صورت رویدادی جاری درآمده بار توان‌خواهان را سنگین‌تر کرده است.

ایران با فزونی هر روزه‌ی تصادفات رانندگی رکورد جدیدی در تصادفات به دست آورده است، اما در مقابل طبق آمارهای رسمی فقط ۱۰ درصد از توان‌خواهان شناخته شده تحت پوشش درمانی دولت قرار دارند، در حالی که می‌دانیم بسیاری از توان‌خواهان در خانواده‌ها در شرایط بسیار دشوار و نامناسب و دور از مردم نگاه‌داشته می‌شوند.

#### چاره چیست؟

با یک جامعه‌ی کم‌توان کاری از پیش نمی‌توان بُرد. به‌ویژه آن‌که برای کاستی‌ها نیز چاره‌اندیشی نشود و یا آن‌را پنهان نگه داشت. دولت، نخست باید به یک کار پژوهشی دامنه‌داری در این زمینه توسط سازمان‌های مربوطه دست یازد و آمار دقیق و قابل اعتمادی به دست آورد. بخشی از نیروهای مسلح را می‌توان برای امر نگهداری و پرستاری بسیج

کرد و مورد استفاده قرار داد، به‌ویژه آن‌که در این مورد دو سه نیروی موازی هم پس از انقلاب شکل گرفته است.

دولت، توان‌خواهان ناشی از جنگ را با عنوان «جانبا» تحت پوشش خاصی قرار داده است در حالی که باید دید آیا آنان با این‌کار منزوی‌تر نشده‌اند؟ از سوی دیگر، آنان دارای امکاناتی هستند که متعلق به همه‌ی جامعه و توان‌خواهان است و باید در اختیار دیگر توان‌خواهان نیز گذاشته شود.

در میان مسئولان امور، شهرداری‌ها نقش ارزش‌مند و مهمی دارند. فعال کردن شهرداری‌ها برای ارائه‌ی سرویس و خدمات به این گروه هزینه‌ی بسیاری نمی‌طلبد، بلکه باید شهرداری در هنگام ساختن ساختمان‌ها، پیش‌بینی‌های ویژه‌ی توان‌خواهان را یادآور شود و در نظر بگیرد. در نظر گرفتن پارکینگ برای توان‌خواهان و ساختن آبریزگاه و گذاشتن پل‌های کوچک رو به روی فروشگاه‌ها و یا ساختن راه ویژه‌ای برای گذر چرخ‌های توان‌خواهان که آنان بتوانند آسوده‌تر رفت و آمد کنند، هزینه‌ی گزافی ندارد.

دولت باید قوانین تازه‌ای در دادگستری، بیمه و ثبت در ارتباط با حقوق توان‌خواهان به مجلس پیشنهاد کند. این قوانین در جهت تطبیق با اوضاع جهانی و در جهت هدف و پیش‌رفت‌های یاری‌رسانی به این گروه باید تغییر یابد. پوشش بیمه می‌تواند در بخش خدماتی‌ترین یاری را انجام دهد. اما

#### کم توانی

#### به معنی محدودیت

یا

#### کاهش

#### کاربرد توانایی یک شخص

#### فقط

#### در زندگی فردی تأثیر نمی‌گذارد

#### بلکه

#### موجب

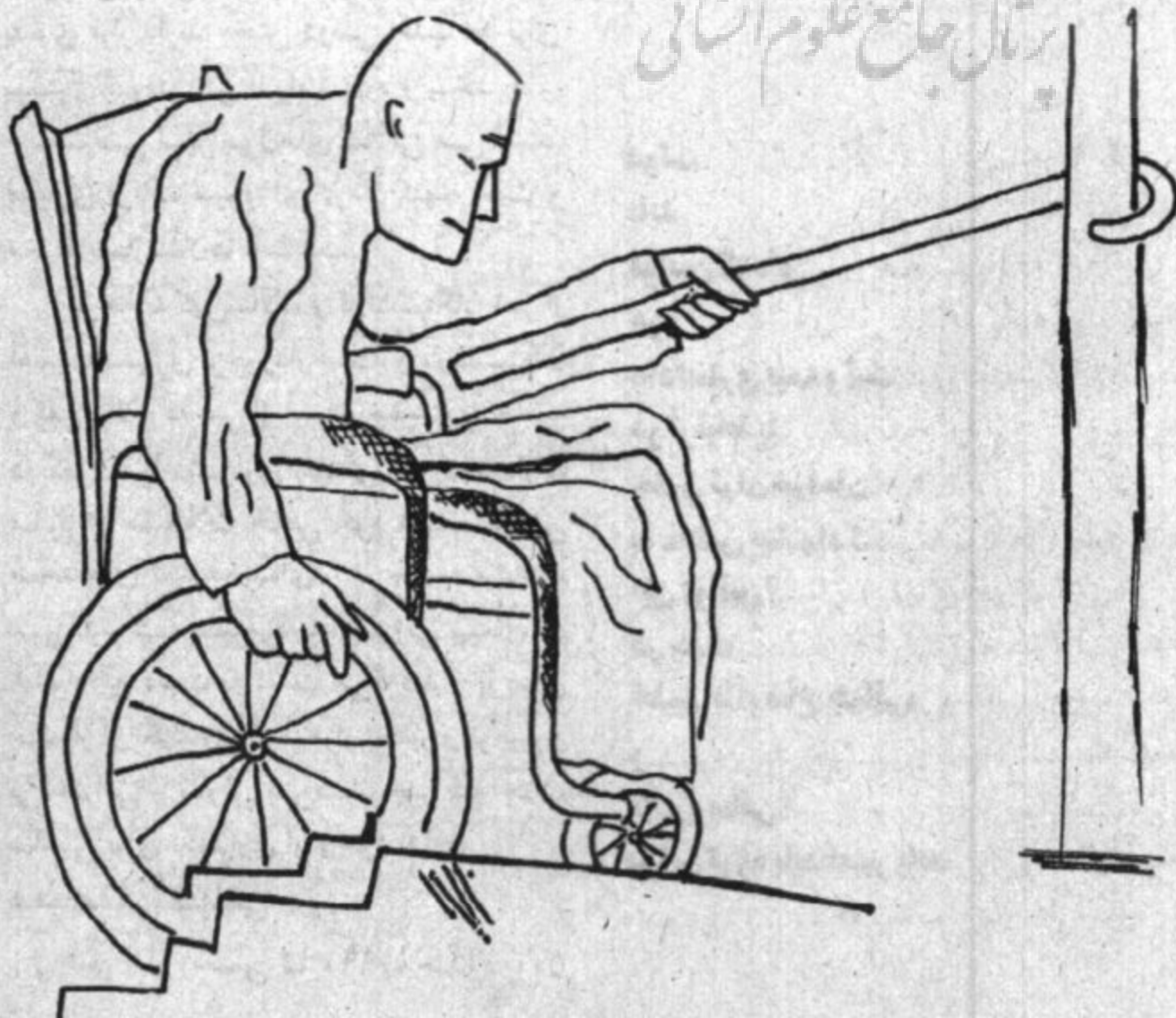
#### نزول کاربرد اجتماعی

#### هم می‌شود

دریغ‌اکه صنعت بیمه نیز در ایران عقب‌گرد کرده است. به کلوپ‌ها و انجمن‌های ویژه‌ی توان‌خواهان اجازه داده شود نشریه‌ی مربوط به خود را منتشر کنند و در آن تحقیقات لازم را گردآوری کرده و به تبادل نظر بگذارند، همه‌ی این‌ها از جمله اقداماتی است که می‌تواند به فعال‌تر شدن توان‌خواهان مدد رساند.

برنامه‌ریزی در رسانه‌های همگانی مانند

رادیو و تلویزیون که به این طریق، آموزش به توان‌خواهان را افزایش دهند و از آن مهم‌تر سطح فرهنگ مردم را در برخورد با این‌گونه افراد بالا ببرند. این کوشش‌ها هزینه‌های زیادی در بر ندارد. ولی لازم و ضروری است. تلقی بیش‌تر مردم ما از این گروه اگر با تحقیر نباشد، همراه با تحقیر است و این به هیچ وجه



شایسته‌ی آنان نیست. چه آنان که در مبارزه و جنگ با دشمنان میهن و با جانبازی به توان‌خواهی رسیده‌اند و چه آنان که در حوادث پیش‌بینی نشده (که برای هر انسانی ممکن است پیش بیاید) و چه آنان که ناخواسته و مادرزادی دارای کاستی‌ها و کم‌توانی هستند، همه شایسته‌ی احترام هستند.

به مردم آموزش داده شود که به توان‌خواه در خیابان و در گذرگاه‌ها خیره نشوند و یا دلسوزانه برخورد نکنند. این کار ناخواسته موجب رنجش این عزیزان می‌شود، بهترین برخورد، برخورد انسانی همراه با احترام است.

### ایجاد کانون‌های آموزش و اشتغال برای توان‌خواهان

یاری رساندن به آموزشگاه‌ها و مؤسساتی که در راستای یاری به توان‌خواهان کام‌بر می‌دارند، و در نظر گرفتن تخفیف‌های گمرکی برای این کانون‌ها اهمیت اساسی دارد.

در گذشته نمونه‌های درخشانی از مؤسساتی داشتیم که در بخش خصوصی پا گرفته بودند. بنگاه ویژه‌ی ناشنوایان که با کوشش زنده‌یاد باغچه‌بان پا گرفت، هنوز در ایران یگانه است. دکتر خزایی برای خواندن نایب‌نیان و آموزش آنان بسیار کوشیده و آموزشگاه دکتر خزایی را پایه‌گذاری کرد و خود نمونه‌ی بارز یک فرد کوشای نایب‌ن بود. امروز چند مؤسسه مانند این‌ها داریم؟ آسیب‌دیدگان روانی به مراتب در وضعیت بدتری قرار دارند. بخش دولتی اغلب جا برای بستری کردن این افراد ندارد و بخش‌های خصوصی نیز پول‌های کلانی می‌طلبند. بسیاری اوقات شیوه‌های درمان کهنه است و محیط بیمارستان‌ها نامناسب.

توجه به کهن‌سالان و بازنشستگان نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. و بازنشستگان و کهن‌سالان که پس از عمری خدمت به جامعه در کهن‌ت با دشواری زندگی می‌کنند دارای مسائل و مشکلات خاص خود هستند. گاهی صحنه‌های تکان‌دهنده‌ای را در جامعه مشاهده می‌کنیم که پسر مرد یا پسرزنی بیمار، در خانواده‌ای دست به دست می‌گردند و یا برای آن‌که از او نگهداری کنند هزار تحقیر و توهین و بی‌احترامی را نثارش می‌کنند، چرا که جای مناسبی برای نگهداری او وجود ندارد.

### همبستگی جهانی

طبق آمار رسمی تا ۱۹۹۱، حدود ۵۰۰

میلیون نفر در جهان توان‌خواه بوده‌اند که بیش‌تر این افراد در جهان سوم زندگی می‌کنند و با فقر غذایی و کمبود بهداشت و مسکن و دارو و درمان دست بگریبانند.

سازمان ملل طبق بیانیه‌ای کشورهای هم‌پیمان خود را موظف به رعایت مقررات ویژه‌ی توان‌خواهان کرده است که شامل ۱۳ ماده است، بر طبق این مواد:

«دولت‌ها، موظف به دادن تضمین کافی و تهیه‌ی امکانات در تمام سطوح زندگی برای این اشخاص هستند.

هر توان‌خواه بدون در نظر گرفتن مذهب، سیاست، نژاد، رنگ پوست و جنسیت و سایر برداشت‌ها و ایده‌های ملی و اجتماعی و نژادی و یا مقام اجتماعی دارای حقوق یکسان بوده و باید مانند یک شهروند دیگر از حقوق مشابه برخوردار باشد.

مالکیت خصوصی این افراد باید محترم شمرده شود و آنان اختیار دارند که کلپ و انجمن خود را داشته باشند.

آنان باید بتوانند مقام‌های دولتی را ببینند و در مقابل، مقام‌های دولتی موظفند تا آن‌جا که می‌توانند به یاری آنان بشتابند.

باید به ادبیات و هنر توان‌خواهان توجه کافی مبذول داشت و به چاپ و پخش آثار و اشاعه‌ی هنر آنان یاری رساند.

محسن مخملباف در داستان باغ بلور، تصویر دراماتیک و تکان‌دهنده‌ای از یک توان‌خواه جانباز ارائه داده است، ولی ما بیش از پیش نیازمند ادبیات خود توان‌خواهان هستیم. بسیاری از توان‌خواهان ایرانی در مسابقات جهانی مقام‌های بالایی به دست آورده و برای ایرانیان افتخار کسب کرده‌اند. باید رادیو و تلویزیون و هم‌چنین مطبوعات با گفت‌وگو با و معرفی این چهره‌ها موجب دلگرمی آنان را فراهم کنند. باید با توان‌خواهان دیگر کشورها ارتباط داشت و از مبادله‌ی تجربیات سود جست. ◇

### پی‌نوشت

۱. عنوان مقاله، شعری از فروغ فرخزاد است.  
۲. در فرهنگ معین برای تعریف کلمه‌ی «معلول» آمده است: «بیمار، علیل» و سپس توضیح داده که «به کار بردن این کلمه به معنی بیمار خطاست زیرا که از «علت» که به معنی «داری» است، سبب صفت علیل می‌آید و نه معلول. لیکن با وصف این معنی در کلام بعضی نقات وارد شده است. فرهنگ معین جلد ۳ ک معلومه ص ۴۲۳۹

### کلمه‌ی معلول

#### حامل

بار منفی است

و

#### این فکر را

به ذهن متبادر می‌کند

که

ما با مسأله‌ای روبه‌رو هستیم

که

#### چاره و درمان ندارد

و

باید

آن را

به حال خود گذاشت



کتابخانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### دولت

باید

#### قوانین تازه‌ای

در

دادگستری بیمه و ثبت

در ارتباط با

حقوق توان‌خواهان

به مجلس پیشنهاد کند

این قوانین

در جهت

تطبیق با اوضاع جهانی

و

#### یاری‌رسانی

به این گروه باید تغییر یابد